

وظایف نگرشی زوجین نسبت به هم، از منظر فقه تربیتی^۱

علی نقی فقیهی^۲

چکیده

فقه تربیتی، عهده دار وظایف جوارحی و جوانحی مکلفان در حیطه های تربیتی است. از وظایف تربیتی جوانحی، وظایف نگرشی است. مسئله این پژوهش، تبیین وظایف نگرشی تربیتی زوجین نسبت به هم، از منظر فقه است که با روش توصیف و تفسیر تربیتی از آیات و روایات، استنباط شده است. نتایج تحقیق عبارت اند از: الف) فقها، به جامعیت احکام دین و گستره فقه اذعان دارند؛ ب) فطرت مبنای وظایف شرعی است؛ ج) فطرت مشترک زوجین، مبنای وظایف تربیتی است؛ د) اسلام به مسئولیت ها و تعاملات زوجین نگاه تربیتی دارد؛ ه) در فقه تربیتی برای هر سه دسته، وظایف نگرشی، عاطفی و عملکردی، تعیین تکلیف می شود.

مهم ترین وظایف نگرشی تربیتی همسران نسبت به یکدیگر عبارت اند از: ۱. نگرش انسانی به هم، ۲. مثبت نگری و حسن ظن، ۳. نگرش نعمتی کرامتی، ۴. نگرش آرامشی، انسی و مصنوعیتی به همسر، ۵. نگرش همیاری زوجین به هم در زندگی دنیا و آخرت، ۶. نگرش معنوی به روابط جنسی زن و شوهر.

واژگان کلیدی: فقه تربیتی، وظایف نگرشی، و زوجین.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۸/۹؛ تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۲/۲۰.

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تربیتی دانشگاه قم: (an-faghihi@qom.ac.ir).

مقدمه

موضوع دانش فقه، احکام و وظایف مکلفان است. این دانش، عهده دار آن است که وظایف شرعی هدایتی بشر را در تمام حیطه های مورد نیاز، از قرآن ﴿تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل، ۸۹) و روایات معصومان علیهم السلام و عقل، استنباط و تبیین نماید. فقهی که به وظایف در حیطه های تربیتی می پردازد، فقه تربیتی نامیده شده است. این دانش، رفتارهای اختیاری مربیان و متریان در مقام تربیت را از لحاظ اتصاف آنها به یکی از احکام پنج گانه بررسی می کند و برای هر رفتاری، حکمی را از ادله آن استنباط می کند (اعرافی، ۱۳۹۱، ۱: ۳۷۹ - ۳۸۰). رفتارهای اختیاری مکلفان، شامل همه وظایف جوارحی و جوانحی می شود و وظایف جوانحی، به فعالیت های فکری نگرشی و عاطفی تقسیم می شوند (همان: ۴۵ - ۴۶). مسئله این پژوهش، تبیین وظایف نگرشی تربیتی زوجین نسبت به هم از منظر فقه است.

ابتدا لازم است به مبانی نظری تحقیق توجه شود.

۱. وظایف تربیتی در گستره فقه

در قرآن، کلمه فقه به معنای «فهم همه جانبه و عمیق»^۱ (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۹: ۱۲۳) است و از متعلقات آن، هدایت های تربیتی است که وظیفه انبیا و از جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانسته شده^۲ و بر اساس آیه ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ

۱. «والتحقیق أنَّ الاصل الواحد فی المادة، هو فهمٌ علی دقَّةٍ و تأملٍ و بهذا القید یفترق عن موادِّ العلم و المعرفة و الفهم و غیرها».

۲. آیات عبارت اند از:

الف) ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛ «اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی دانستند)، پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق

كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، آیه ۲۲)، فهم عمیق و استنباط همه وظایف تربیتی، و هدایت مردم با آنها، وظیفه فقها دانسته شده است و در روایات فهم عمیق و همه جانبه در دین، خیر الهی^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۲)، برترین عبودیت خدا^۲ (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۴)، کمال تام^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۲) و پایه استوار دین، قلمداد شده است^۴ (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۳۳).

در روایات، فقیه، متصف به تربیت است؛ یعنی فقیه کار تربیتی انجام می دهد^۵ (رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۹۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲: ۵۶) و تربیت

زشت) پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد و همانا پیش از این، همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند» (جمعه، آیه ۲).

ب) «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ «خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می کند و آنان را پاک می گرداند و به آنها علم کتاب (احکام شریعت) و حقایق حکمت می آموزد، و همانا پیش از آن در گمراهی آشکار بودند» (آل عمران، آیه ۱۶۴).

ج) «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مِمَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ «چنان که در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می کند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزه می گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می دهد و آنچه را نمی دانید، به شما می آموزد» (بقره، آیه ۱۵۱).

و آیه ای که يُعَلِّمُهُمْ بِرِزْقِهِمْ مقدم شده است، عبارت است از:

د) «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ «پروردگارا در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزه سازد، که تو بر هر کار که خواهی، قدرت و علم کامل داری» (بقره، آیه ۱۲۹).

۱. «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ».

۲. «مَا عَبْدَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ فِقْهِ فِي دِينٍ».

۳. «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ».

۴. «إِنْ لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ، وَدِعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ».

۵. «الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْطَعْ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَلَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ».

مردم از فقاهاست او نشئت می‌گیرد.

فقه در بیان علما نیز فهم عمیق و همه‌جانبه احکام شرعی فرعی است که بر اساس ادله تفصیلی استنباط می‌شود^۱ (العاملی (شهید ثانی)، بی‌تا، ۱: ۲۶). آیت‌الله مکارم شیرازی ضمن این‌که علم فقه را شامل تمام اعمال و برنامه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی و قضایی و عبادی می‌داند، در خصوص رابطه فقه با اخلاق، تصریح دارد که تمام مسائل فقهی، جنبه مسائل اخلاقی دارد و واجبات فقهی، واجبات اخلاقی و محرمات فقهی، محرمات اخلاقی است (علیان‌نژادی دامغانی، بی‌تا: ۱۷۵).

فقه‌ها معمولاً به جامعیت احکام دین و گستره فقه اذعان کرده و بر آن استدلال کرده‌اند. برای مثال، صاحب جواهر علاوه بر استناد به آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (نجمی، بی‌تا، ۱۴: ۱۴۳ و ۹: ۸۷) و استدلال به حدیث «اعطیت جوامع الکلم» (همان، ۴۳: ۱۶۸)، آموزه‌های چهارده معصوم علیهم‌السلام را در طول ۲۵۰ سال به‌عنوان یک واحد تربیتی منسجم («أمرهم واحد» و «كُلُّنا واحد») (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵: ۳۶۳)، که تبیین‌کننده وظایف بشر در ابعاد گوناگون بوده‌اند، دلیل جامعیت شریعت و گستره فقه اسلامی دانسته‌اند (نجمی، بی‌تا، ۴۰: ۶۵).

بنابراین، تعیین تکلیف همه فعالیت‌های مکلف در حیطه فقه است و تمام رفتارهای هدایتی تربیتی مکلف، در دایره فقه تربیتی قرار دارد و وظایف تربیتی زوجین (اعم از رفتارهای جوانی، شامل وظایف نگرشی و عاطفی و رفتارهای جوارحی، با همه اقسام آن) (اعرافی، ۱۳۹۱، ۱: ۴۵ - ۴۶)، از جمله آنهاست. مسئله این تحقیق، تفقه در وظایف نگرشی تربیتی زوجین نسبت به هم است که تاکنون از منظر فقه بحث نشده است.

۱. «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن الادله تفصیلیه».

۲. فطرت مبنای وظایف شرعی

فقه بر هماهنگی بین تکوین (فطرت) و تشریع (احکام) استوار است. همان خداوند حکیمی که آفریننده است، مشروعیت احکام عملی انسان را به عهده دارد. از این روست که تمام تکالیف همه پیغمبران، دستورهای براساس احیاء و پرورش دادن فطرت است. آنچه آنها عرضه داشته‌اند، تقاضای همین فطرت انسانی است (مطهری، ۱۳۷۰، ۳: ۴۶۰) و فطرت، نقش مهمی در زمینه‌سازی و استنباط احکام فقهی دارد و می‌توان با توجه به فطرت، برای نظام معرفت فقهی، مفهوم‌سازی کرد (همان: ۴۵۲) و از طرف دیگر، می‌توان احکام فقهی را به صورت فطری تحلیل کرد. همان‌طور که سبزواری در کتاب *مذهب الاحکام* خودش صدها مسئله فقهی را به صورت فطری تحلیل کرده است (مشکانی سبزواری و اسماعیلی کریزی، ۱۳۹۴: ۱۱۸ به نقل از: سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱: ۶۱، و...).

در دیدگاه فقه اسلامی، هر آنچه فطرت اقتضا می‌کند، مورد حکم شرع نیز هست و بین اقتضای فطرت و حکم شرع، ملازمه وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت: «کلما حکم به الفطره الانسانیه، حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع، حکم به الفطره الانسانیه». از این رو، شهید مطهری، درباره وظایف اخلاقی می‌نویسد: «هرگاه حکمی با فطرت و من علوی انسان، مناسبت و سنخیت داشته باشد، خوب است و باید بدان عمل کرد. در غیر این صورت، بد است و نباید به آن عمل نمود» (مطهری، ۱۳۷۰، ۳: ۱۸۴).

علامه مصباح یزدی مدلول آیه مبارکه فطرت ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾ (روم، آیه ۳۰) را این دانسته است که دین و آموزه‌های دینی، تماماً از فطرت سرچشمه گرفته و محتوای مکتب الهی اسلام، از اعتقادات، بایدها و ارزش‌ها و نبایدها و ضد ارزش‌ها، و رفتارهای دینی و وظایف فقهی تربیتی که در اسلام مطرح شده، همه با فطرت انسانی هماهنگ است. خدا بشر را موظف

ساخته است به این دین هماهنگ با فطرت انسانی روی بیاورد؛ دینی که این نوع آفرینش خداوندی تغییرناپذیر، بر درستی آن دلالت دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۹۴).

۳. فطرت مشترک، مبنای وظایف تربیتی زوجین

از منظر قرآن، فطرت انسانی، وجه مشترک مرد و زن است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ * مُبِينٌ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (روم، آیه ۳۰ - ۳۲). مدلول این آیات شریفه، حاکی از چند نکته است:

الف) در جمله ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾، فطرت برای «ناس» اعم از زن و مرد مطرح شده است.

ب) جمله ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾، حکایت از آن دارد که دین الهی با فطرت هماهنگی دارد و شما انسان‌ها موظف به شکوفایی فطرت براساس هدایت‌های دینی هستید؛ زیرا هدف خداوند از نوع خلقت فطرت انسانی و ارائه اسلام، هردو سعادت بشر است و این به آن معناست که فطرت، راهنمای تکوینی و دین، هدایتگر تشریعی به سوی کمال و سعادت است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۱۷۸).

ج) آیه ﴿مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾، حاکی از آن است که برخی اشخاص بر اثر عوامل عارضی، از فطرت و دین فطری منحرف می‌شوند و گروه‌های مختلفی تشکیل می‌دهند که با فطرت انسانی و دین فطری اسلام هماهنگ نیستند؛ بلکه در برابر دین فطری، گروه‌گرا می‌شوند و به آنها دلبستگی خود را نشان می‌دهند. بنابراین، ممکن است فطرت برخی افراد، نمود واقعی خود را از دست بدهند و به رفتارهایی غیرانسانی اقدام کنند و خود و دیگران را شقاوت‌مند سازند.

د) جمله «لَا تَبْدِيلَ لِحَلْقِ اللَّهِ»، حکایت از آن دارد که اگرچه بر اثر عوامل عارضی، فطرت افرادی از شکوفایی بازمانده و درخشندگی و هدایتگری خود را از دست داده است، اصل فطرت باقی است و می‌توان به آن بازگشت و از نو، مسیر درست را پیمود. امر «فَاقِم وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»، بازگشت به مسیر هدایتی فطرت را مسلماً برای نیل به سعادت ضروری می‌سازد. بنابراین، هر انسانی اعم از زن یا مرد، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، برای رسیدن به کمال، موظف است به مجموعه استعدادها و توانمندی‌های فطری برگردد و آنها را هماهنگ باهم، به وسیله اسلام به فعلیت برساند (همان، ۱۶: ۱۸۹)؛ زیرا خداوند، اسلام را حاوی هدایتگری همه‌جانبه به سوی اهداف و نحوه تربیت انسان قرار داده است؛ دین کاملی که مسیر صحیح رسیدن به سعادت، و همچنین مسیری را که ولایت و چهارده معصوم علیهم‌السلام، آن را طی می‌کنند، ترسیم می‌کند و از این رو، در بیان امام باقر علیه‌السلام، فطرت به ولایت تفسیر شده است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۳۶۵)؛ این به آن معناست که آنها فطرت انسانی و دین فطری را خوب می‌شناسند و می‌دانند که انسان با ویژگی‌هایش، چگونه باید تربیت بشود و مسیر سعادت را بیپیماید.

ه) فطرت، عقاید و اصول ایمانی صحیح را نشان می‌دهد. بر همین اساس، روایاتی که در ذیل آیه شریفه وجود دارند، از جمله «فطرهم علی التوحید» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۳) استفاده کرده‌اند؛ یعنی توحید در خالقیت، الوهیت، ربوبیت وجود دارد. ربوبیت دو قسم است: ربوبیت تکوینی و ربوبیت تشریعی. آنچه سبب تربیت صحیح فطرت می‌شود، عبارت از آن چیزی است که در ربوبیت تشریعی مطرح است؛ یعنی کسی جز خداوند متعال، که خالق انسان است، نمی‌تواند قانونی را وضع کند که بتواند او را به کمال انسانی برساند.

۱. «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «فَاقِم وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ».

۴. فطرت و مسئولیت پذیری هدفمند

حس مسئولیت و تکلیف در انسان، همان طور که منشأ فطری دارد^۱ (احزاب، آیه ۷۲)، هدفمند نیز هست^۲ (مؤمنون، آیه ۱۱۵؛ قیامت، آیه ۳۶). بنابراین، انجام تکالیف زوجین نسبت به هم، همه عمل صالح اند و هدف مشترک دارند^۳ (نحل، آیه ۹۷؛ غافر، آیه ۴۰؛ آل عمران، آیه ۱۰۵).

مسئولیت های هر فرد انسانی، بسیار گسترده و در ارتباط با خدا، خود، دیگرانسان ها و طبیعت است. از مسئولیت های هر انسان نسبت به انسان های دیگر، مسئولیت نسبت به همسر و اعضای خانواده است^۴ (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۶).

۵. نگاه تربیتی به مسئولیت ها و تعاملات زوجین

قرآن، به تعاملات زوجین و رابطه آنان با یکدیگر، نگاه تربیتی دارد. از این رو، موظف شده اند هم خود و هم اهل بیت و خانواده خود را مراقبت کنند تا جهنمی نشوند؛ یعنی فعالیت هریک در ارتباط با دیگری، باید بستری برای رسیدن به سعادت همسر و مراقبت و پیشگیری از وقوع آنان در جهنم باشد. قرآن کریم می فرماید: ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم، آیه ۶)؛^۵ «خودتان و خانواده خود را از آتش حفظ کنید». امر به

۱. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ».

۲. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؟»؛ «أَلَيْسَ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدىً».

۳. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَوْلِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ «لَا أُضِيعَ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ».

۴. قال رسول الله ﷺ: «لَا كَلُكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».

مراقبت در آیه، عام است و وظیفه تربیتی هر یک از زوجین را نسبت به هم نیز شامل می‌شود؛ زیرا کلمه اهل در کتب لغت و قرآن کریم، به معنای خانواده است و از این رو، هم به شوهر و هم به زن اطلاق می‌شود.

مصطفوی (۱۳۶۸، ۱: ۱۶۹) در این زمینه می‌نویسد: «معنای حقیقی اهل یعنی ایجاد انس و الفتی خاص بین افراد، و به هر میزان که ارتباط بین افراد بیشتر باشد، اهلیت قوی‌تر است».^۱ ایشان آیات متعددی را می‌آورد که مرد مصداق اهل است؛ مانند آیه: ﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ (هود، آیه ۷۳). در این آیه، مراد از اهل البیت، حضرت ابراهیم علیه السلام و زوجه ایشان است و آیه: ﴿فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ﴾ (قصص، آیه ۱۲). ایشان بیان می‌کند: «یراد من فی بیت عمران، من الأب و امّ موسی و غیرهما». همچنین آیه: ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾^۲ (احزاب، آیه ۳۳). وی در خصوص این آیه می‌نویسد: «یراد من كانوا مخاطبین حین نزول الآیة، كما فی الآيتين، و هم الخمسة النجباء المعصومون الذین استقرّوا تحت الکساء بأمر من رسول الله صلی الله علیه و آله» که اهل البیت در آیه، شامل رسول الله هم می‌شود. ایشان مطرح می‌کند که برخی مفسرین متوهم شده‌اند و کلمه رسول الله را در تقدیر گرفته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱: ۱۶۹ - ۱۷۰). این نوع تعبیر، حاکی از این است که اهل، شامل پدر و شوهر نیز می‌شود.

بنابراین، مدلول آیه ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾، این است که زن و شوهر باید

۱. «أَنَّ المعنى الحقيقي لهذه المادة: هو تحقق الانس مع الاختصاص والتعلق ثم إن هذا المعنى مراتب سعة وضيقا، فالزوجة والأبناء والبنات والأحفاد والأصهار كلهم من الأهل، وكلما يشتد التعلق ويزداد الاختصاص: يقوى عنوان الأهلية» فقد يكون واحد من المرتبة المتأخرة أقرب وأولى من الآخر المتقدم قد ينفي عنوان الأهلية عمن ينتهي فيه التعلق والتوافق والاختصاص مثل «لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» و...».

۲. ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.

به عنوان اعضای خانواده، نقشی نسبت به همدیگر داشته باشند که منتهی شود به این که هریک از آنها مانع از ورود دیگری به آتش جهنم شود؛ یعنی اصل در نظام خانواده، ایجاد رابطه تربیتی است و باید زوجین، تلاش پرورشی و رشدی نسبت به هم داشته باشند تا همدیگر را سعادتمند کنند.

۶. فطرت، راهنمای تعاملات تربیتی زوجین

ویژگی های فطرت مشترک زن و مرد، از وظایف فقهی آنان در چگونگی تربیت، مسیر ارتقاسازی سلامت و سیر تکاملی همدیگر، حکایت دارد. آیت الله جوادی آملی می فرماید: «فطرت، سرمایه درونی و همانند دریایی است که هرآنچه را که برای رسیدن به کمال نیاز است، می توان در آن پیدا کرد» (خلیلی، ۱۳۹۵: ۲۳).

خداوند به گونه ای انسان را خلق کرده است که نعمت های فراوانی را در وجود زن و مرد ایجاد کرده و هر آنچه مطلوب آنها بوده، به اندازه به آنها اعطا کرده است^۱ (صحیفه سجاده، دعای ۵۱). با معرفت شناسی فطرت، زوجین می توانند امر در آیه ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم، آیه ۶) را عملیاتی سازند و وظیفه خود را در رشد و پرورش همدیگر، برای رسیدن به هدف کمالی شان از زندگی، انجام دهند. ابن ادریس با توجه به توانمندی های زوجین، در برداشت فقهی خود از آیه: ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾، امر به وقایه همسر را وجوبی دانسته و آن را شامل، هم امر به اطاعت از خدا و هم نهی از معصیت پروردگار مطرح کرده است (ابن ادریس الحلی، ۱۳۷۸، ۵: ۲۹۵). علامه حلی نیز، حکم فقهی وجوب امر به معروف و نهی از منکر زوجین را نسبت به یکدیگر، به این آیه و چند روایت نقل شده در تفسیر این آیه مستند ساخته است (حلی، ۱۴۱۲، ۱۵: ۲۶۹).

۱. «وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ».

زن و شوهر با توجه به ویژگی‌های مشترک فطری‌شان در کمال طلبی، آزادی خواهی و تمایل به رهایی، موظف‌اند تمام کوششان را در رفع موانع و هموارسازی راه کمال همدیگر به کارگیرند و به یکدیگر کمک کنند و با توجه به میل فطری آنان به نظم و انضباط، راهبردهای زندگی را به گونه‌ای با همفکری یکدیگر، و بر اساس چارچوب‌های فطری عقلانی، نظام بدهند که در مسیر سعادت کمالی یکدیگر، از هرگونه مانعی مصون بمانند و با تقویت گرایش به خیر و خوبی و تنفر از رفتارهای نابهنجار، که ناشی از علم به خوبی‌ها و بدی‌هاست که الهام تکوینی خداوند^۱ (شمس، آیه ۸) به آنهاست، کوشش کنند تا جز رفتار نیک از آنان صادر نشود و با حفظ کرامت و عزت تکوینی^۲ (اسراء، آیه ۷۰) یکدیگر، بستر را برای ارتقای همدیگر در کرامت و عزت اختیاری و تقوایی فراهم سازند^۳ (حجرات، آیه ۱۳).

همچنین با استفاده از عقل طبیعی و خدادادی، که زن و مرد به صورت مشترک از آن برخوردارند، عقلی که به عبودیت خدای رحمان و چگونگی دستیابی به جئات را ترسیم می‌کند^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۱)، عقلی که حجت بین خدا و بندگان خداست^۵ (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱: ۸۰)، با پرورش آن در خود و همسر، عاقلانه رفتار کنند^۶ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ ش، ۱: ۴) و راه بندگی همه‌جانبه پروردگار و مسیر بهشت را بیمایند.

عقلی که به تعبیر امام حسن علیه السلام، مسیر انتخابی‌اش، غصه را از میان بر می‌دارد و

۱. ﴿قَالَهُنَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾.

۲. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾.

۴. «العقل ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَان».

۵. «الْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ».

۶. «إِنَّ الْعَمَالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمُ الْعُقَلَاءُ».

فریب‌های دشمنان را شناسایی می‌کند و راه‌های مقابله با آنها را به کار می‌گیرد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۳۰) و عقلی که حفظ‌کننده امور فطری و قلبی است و خدا به ودیعت در زن و مرد انسانی گذاشته است^۲ (همان) و با فراگیری علم و اندوخته‌های تجربی، عقل خودشان را افزایش دهند و بارور سازند^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۹۱) و افکار واقع‌بینانه و رهنمودهای خردمندانه و فعالیت‌ها و بازدارندگی‌های پُرثمر تجربه‌شده^۴ (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ۲: ۱۸۶) را در سامان‌دهی بهینه زندگی‌شان به کارگیرند و با جهل و هواهای نفسانی که در مسیر فطرت آنها انحراف ایجاد می‌کنند، مقابله کنند و مانع نقش آنها در ساختار زندگی بشوند^۵ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۵).

عقل مشترک، باید محور زندگی انسانی زوجین قرار گیرد؛ زیرا انسانیت انسان، به عقل اوست^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶). با تدابیر عقل رشدیافته است که می‌توان از انحراف از مسیر هدایت‌های الهی، خود را مصون نگه داشت^۷ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۱۷).

مسئولیت‌های سه‌گانه مکلفان

مسئولیت‌ها و وظایف زوجین، همانند هر مکلف دیگر، که فقه عهده‌دار استنباط آنها از متون دینی است، به سه دسته: وظایف نگرشی، عاطفی و عملکردی تقسیم می‌شوند. این سه با هم مرتبط‌اند و نظام‌مند، مسیر تربیت رشدی و سعادت را برای مکلف هموار می‌سازند. هدف محوری بعثت پیامبران و از جمله پیامبر ﷺ،

۱. «سُبُلُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْعَقْلِ قَالَ التَّجَرُّعُ لِلْعَصَةِ وَ مُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ».

۲. «فِي أَسْئَلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَنِ الْحَسَنِ ع. يَا بُنَيَّ مَا الْعَقْلُ قَالَ حِفْظُ قَلْبِكَ مَا اسْتَوْدَعَهُ».

۳. «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ».

۴. امام علی ع: «الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ».

۵. «إِنَّ الْعَقْلَ عَقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالتَّنَفُّسِ».

۶. «الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ».

۷. «إِنَّمَا الْعَقْلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الْإِثْمِ وَالنَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَالْأَخْذُ بِالْحَزْمِ».

همین تربیت و تعلیم است (بقره، آیه ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲) که برای تحقق آن، این سه دسته، مرتبط باهم، به صورت وظیفه از مکلف و ازجمله زوجین خواسته شده است. وظایف نگرشی زوجین برای دو دسته از وظایف دیگر آنان، زیر بناست و به نحو عمیقی اثر تربیتی در آنها می‌گذارد و بستر را برای وظایف دیگر و حفظ و ارتقای سلامت و در نهایت سعادت اخروی زوجین فراهم می‌سازد.

وظایف نگرشی همسران نسبت به یکدیگر

مهم‌ترین وظایف نگرشی همسران نسبت به یکدیگر در آموزه‌های اسلامی عبارت‌اند از:

۱. نگرش انسانی زوجین نسبت به هم

زن و مرد در اصل گوهر انسانی، اشتراک دارند؛ زیرا مطابق آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...﴾ (نساء، آیه ۱)، هر دوازده نفس واحده آفریده شده‌اند.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

ظاهر آیه ﴿وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾، این است که همسری از نوع مرد آفرید و واژه «مِنْ» در آیه، «نشویه» است؛ یعنی منشأ چیزی را بیان می‌کند. این آیه مانند آیات دیگری است که به آفرینش زن و مرد پرداخته‌اند؛ از قبیل: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (روم، آیه ۲۱). بنابراین، آنچه در برخی تفاسیر ذکر شده که مقصود آیه، بیان این نکته است که زن از آدم مشتق شده و قسمتی از آدم است، آیه بر این مطلب دلالت ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۴: ۱۳۶).

علاوه بر این که این برداشت، در روایات نفی شده است.^۱

۱. از امام صادق (ع) پرسیده شد گروهی می‌گویند حوا از دنده چپ آدم (ع) آفریده شد. فرمود: خدا از این نسبت پاک و منزّه است. آیا خداوند توان نداشت برای آدم (ع) همسری بیافریند که از دنده او نباشد تا راهی

خلاصه آن که زن و مرد در ذات و جوهرشان تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی زنان و مردان در جوهره انسانیت و خمیرمایه رشد و کمال تفاوتی ندارند؛ ازاین رو کمالات فرعی، که برای یک صنف میسور است، برای صنف دیگر نیز دست یافتنی است؛ همان گونه که کمالات معنوی چنین هستند. زیباترین و جامع‌ترین سخنی که این مطلب را بیان می‌کند، آیه: ﴿أَيُّ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ (آل عمران، آیه ۱۹۵) است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۴: ۱۴۰).

قرآن هم در آیات فوق الذکر و هم در آیاتی که از جوهر انسانیت و توانمندی‌های انسانی سخن به میان آورده،^۱ در صدد بیان این است که هر یک از زن و مرد، در تمام ویژگی‌های فطری خدادادی و هدف غایی زندگی یعنی حیات طیبه، اشتراک دارند و آنان موظف‌اند این نگرش واقع‌بینانه را به هم داشته باشند.

۲. مثبت‌نگری و حسن ظن

بر اساس آموزه‌های دینی، همسران مؤمن باید به هم دید مثبت داشته باشند؛ یعنی باید به هم حسن ظن داشته باشند و از داشتن ذهنیت بد و سوءظن به یکدیگر پرهیزند. امام

برای سخن ملامتگران به دست ندهد که بگویند آدم ﷺ با خودش ازدواج کرد؟ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۳۵۲). نتیجه این که قرآن، در مقام بیان مشابهت زن و مرد در اصل و ریشه است و وحدت نوعی آن دورا بیان می‌کند. گفتنی است اگرچه مراد از «نفس» در آیه، به اجماع همه مفسران آدم ﷺ است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۳)، به کار بردن واژه «نفس» و انتساب خلقت همه انسان‌ها به آن «نفس»، حاکی از آن است که جمله افراد بشر، اعم از زن و مرد از یک اصل سرچشمه می‌گیرند و گوهر آفرینش آنها به یک گوهر و یک نفس برمی‌گردد؛ همان طور که آیه: ﴿وَيَتَّ مِنْهُمَا رَجُلًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾، دلالت روشنی بر آن دارد.

۱. ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (حجر، آیه ۲۹)؛ ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین، آیه ۴)؛ ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (مؤمنون، آیه ۷۸)؛ ﴿قَافِمٌ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم، آیه ۳۰)؛ ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ (احزاب، آیه ۷۲).

صادق علیه السلام فرمود: «رحمت دائم خدا شامل بنده‌ای است که نیکوترین گزینه را در روابط بین خود و همسرش بر می‌گزیند»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳: ۴۴۳). روشن است که مثبت‌نگری، از نیکوترین رابطه نگرشی است. همسرانی که تصور خوبی از همدیگر دارند و درباره همدیگر مثبت می‌اندیشند، انگیزه‌هایشان برای مواجهه و رابطه باهم نیک می‌گردد^۲ (همان، ۵: ۱۳۶) و محبتشان به همدیگر جلب می‌شود^۳ (همان: ۳۷۹)، نسبت به همسر سهل‌گیر می‌شوند^۴ (همان: ۱۶۲) و همه رفتارهایشان را نسبت به هم پسندیده می‌کنند و بهترین مواجهه‌ها را با همسرش برقرار می‌سازد.

۳. نگرش نعمتی کرامتی زن و شوهر به همدیگر

از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که خداوند سبحان به انسان، اعم از مرد و زن، بخشیده، نعمت کرامت تکوینی است که منبع کرامت تشریعی و ظرفیتی گسترده برای تحولات تکاملی و نیل به حیات طیبه در دنیا و آخرت است.

زوجین، هر دو مصداق «و لقد کرّمنا بنی آدم و» هستند و در کرامت تکوینی و ذاتی برابرند و در کرامت تشریعی و امتیاز هدایتی هر دو، به میزان تقوای آنها نزد خدا است^۵ (حجرات، آیه ۱۳) و درجه ایمان و عمل صالح هریک از ایشان در درجات حیات طیبه شان کارساز است^۶ (نحل، آیه ۹۷؛ غافر، آیه ۴۰). همچنین زوجین هر دو

۱. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ».

۲. «مَنْ حَسَنَ ظَنُّهُ حَسُنَتْ نَيْتُهُ».

۳. «مَنْ حَسَنَ ظَنُّهُ بِالنَّاسِ حَارَمَتْهُمْ الْمُحِبَّةَ».

۴. «مَنْ حَسَنَ ظَنُّهُ أَهْمَلْ».

۵. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».

۶. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و «وَمَنْ عَمِلَ

صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ».

از توانمندی‌هایی برخوردارند که باعث آرامش همدیگر می‌شوند^۱ (روم، آیه ۲۱). به طور کلی، دست حکیم پروردگار، نعمت‌های فراوان و توانمندی‌های درایتی و تدبیری، زیبایی‌های عاطفی و محبوبیت‌ها و مطلوبیت‌ها را به قدر کفایت^۲ (صحیفه سجاده: دعای ۵۱) در فطرت هریک از زن و مرد نهاده است که با تعاملات شناختی، روابط عاطفی و رفتارهای یاورانه و ایثارگرانه، می‌توانند از زندگی نعمتی برخوردار باشند. بنابراین، هریک از زوجین موظف‌اند نگرش واقع‌بینانه انسانی کرامتی و نعمتی به هم داشته باشند. امام سجاده علیه السلام درباره این وظیفه می‌فرماید:

بر هر یک از شما همسران، واجب است که خدا را شکرگذار باشید و او را بستانید برای این که چنین همسری را نصیبتان کرده است. همه باید بدانید و این دید را داشته باشید که همسر، نعمتی است از خدا که به او اعطا شده و واجب است که با نعمت خداوند، مصاحبت و رابطه نیکو برقرار سازند و او را گرامی بدانند و با او مدارا کنند^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۲).

بر این، زوجین باید نگرش همسری و هم‌سطحی به یکدیگر داشته باشند و یکی، خود را از دیگری برتر تلقی نکند و بالاتر نداند؛ زیرا هر دو، نعمت باارزش پروردگارند. همان‌طور که هر دو «راع» و درعین حال، «رعیت» یکدیگرند^۴ (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰، ۱: ۶) و باید در اکرام و احترام به همسر تلاش کنند تا به تقرب بیشتر به خدا نائل شوند. امام باقر علیه السلام فرمود: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که بیشتر به همسر خود

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

۲. «وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ».

۳. «كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمَا يَحِبُّ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَيَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَيُكْرِمَهَا وَيَرْفُقَ بِهَا».

۴. گفتنی است که منظور از رعیت، کسی است که به نحوی با فرد مرتبط است و به او نیاز دارد؛ همان‌طور که به جاهل، رعیت عالم و به زن و شوهر، رعیت یکدیگر اطلاق شده است.

احترام بگذارند»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱: ۳۱۱).

۴. نگرش آرامشی، انسی و مصونیتی به همسر

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «حَقُّ رَعِيَّتِكَ مِلْكُ النِّكَاحِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَا حًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۱)؛ اما حق کسی که به سبب ازدواج رعیت تو شمرده می‌شود؛ بر تو آن است که بدانی خداوند متعال، او را تسکین دهنده و آرامش بخشنده و نگهدارنده و انیس برای تو قرار داده است».

۵. نگرش همیاری و تعاون زوجین به هم در زندگی دنیا و آخرت

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أُعْطِيَ لَهُ حَمْسًا لَمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فِي تَرْكِ عَمَلِ الْآخِرَةِ: زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ وَ بَنُونَ أَبْرَارٌ وَ مَعِيْشَةٌ فِي بَلَدِهِ وَ حُسْنُ خُلُقٍ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي (راوندی، ۱۴۰۷، ۴۰: ۹۷)؛ به هرکس پنج چیز داده شود، دیگر عذری در ترک عمل برای آخرت ندارد: همسر شایسته - که او را در کار دنیا و آخرتش کمک کند -، فرزندان نیک، داشتن درآمد در وطنش، اخلاق خوش - که به واسطه آن با مردم بسازد -، و دوست داشتن اهل بیت من».

۶. نگرش معنوی به روابط جنسی زن و شوهر

از منظر روایات اسلامی، بر خلاف نظر کلیسا،^۲ زن و شوهر باید نگرش انسانی به

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ إِكْرَامًا لِحِلَاتِهِمْ».

۲. در نگرش کلیسایی، روابط جنسی زن و مرد، پلید، ضد اخلاقی، سد راه کمال، مخالف با انسانیت و ضد آخرت و جهنمی است. بر این، افرادی که می‌خواهند متخلق، پاک و مقدس، با ارزش و دین‌دار باشند و به بهشت جاوید برسند، باید از آن دوری کنند. این دیدگاه بر ممانعت از هرگونه ارضای جنسی تأکید می‌کند و معتقد است ارضای آن، آدمی را از رسیدن به کمال انسانی باز می‌دارد. مرتضی مطهری، ۱۳۸۸: ۱۲ - ۱۳ به نقل از برتراند راسل، فیلسوف مشهور، می‌نویسد: «عوامل و عقاید مخالف روابط جنسی، در اعصار خیلی قدیم

روابط جنسی میان خودشان داشته باشند و وجود غریزه جنسی در انسان را طبیعی و انسانی بدانند و آن را حیوانی و پست تلقی نکنند.

در نگرش اولیای دین اسلام، روابط جنسی زوجین با دوست داشتن، انس و الفت، زیبایی خواهی، فضیلت جویی و محبت آمیخته است (فقیهی، ۱۳۹۸: ۵۰ - ۹۰). از این رو باید رابطه جنسی را رابطه‌ای طبیعی، خردمندانه و محبوب خداوند متعال دانست و نباید به دلایل زیر، حیوانی تلقی شود؛ زیرا:

اول: علاقه و ارتباط زن و مرد، نعمت طیب و زینت خداوندی است^۱ (مائده، آیه ۸۷). در شأن نزول این آیه، نقل شده است که حضرت پیامبر ﷺ متوجه شدند که برخی مسلمانان روابط جنسی با همسرانشان را امری خیلی پسندیده نمی‌انگارند، از زنان خود کناره‌گیری دارند و گوشه انزوا گزیده‌اند و به عبادت مشغول شده‌اند. حضرت آنها را مذمت و نکوهش کرده، فرمودند: «آیا از زنان روگردان شده‌اید، درحالی که روابط جنسی با همسر، سنت پسندیده من است و اگر کسی از سنت من روگردان شود، از من نیست». در ارتباط با این جریان بود که آیه فوق‌الذکر نازل شد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶؛ ۱۱۳ - ۱۱۲).

دوم: ازدواج، عقلانیت مؤید به سنت پیامبر ﷺ است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

وجود داشته است. البته در هر جا آیین مسیحیت و بودا پیروز شده، عقیده مزبور نیز تفوق یافته است. غیر از این دو آیین، در جاهای دیگر دنیا، ادیان و راهبانی بوده‌اند که از مجرد زیستن طرف‌داری می‌کرده‌اند. در یونان و روم متمدن نیز طریقه کلیون جای طریقه اپیکورا گرفت و سرانجام، این عقیده با اندکی اصلاح، به کلیسا راه یافت و به صورتی افراطی با روابط جنسی مخالفت شد و حتی در قانون کلیسا، ارتباط جنسی مطلقاً - ولو با همسر شرعی - عملی پلید و نامطلوب تلقی گردید. از نظر کلیسا ازدواج و آمیزش جنسی، فقط در دو مورد که حال ضرورت است، مجاز می‌شود: یکی برای تولید نسل و دیگری برای دفع افسد به فاسد؛ یعنی به این وسیله از آمیزش‌های بی‌قید و بند مردان و زنان یا همجنس‌بازی جلوگیری شود (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۵).

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾.

اگر درباره ازدواج و دامادی، آیتی محکم و سنتی پیروی شده (از رسول خدا ﷺ) هم نبود، باز موضوع نیکی به خویشان و مانوس شدن با بیگانه - که زمینه آن را خداوند به صورت طبیعی در انسان ها قرار داده است - انگیزه ای بود که خردمند صاحب دل، به ازدواج رغبت کند و عاقل درست اندیش به آن بشتابد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۳۷۳).

سوم: ازدواج، محبوب ترین بنای اجتماعی در پیشگاه خداوند است. حضرت پیامبر ﷺ می فرماید: «بنایی در اسلام نزد خدا، محبوب تر از ازدواج نیست»^۲ (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۹۶).

چهارم: خدا برترین لذت های دنیوی و اخروی را در روابط جنسی زن و شوهر قرار داده است.

حضرت امام صادق علیه السلام، نعمت لذت جنسی را از برترین لذایذ مردم در دنیا و آخرت دانسته، می فرماید:

هیچ لذتی برای مردم در دنیا و آخرت، بیشتر از لذت زن نیست و این معنای سخن خداوند است که فرمود علاقه، محبت و تمایل به زن و اولاد، برای مردم زینت داده شده... اهل بهشت از هیچ چیزی به اندازه آمیزش لذت نمی برند، نه غذا و نه نوشیدنی^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۳۲۱).

پنجم: در شرع، تمکین زوجین نسبت به همدیگر، وظیفه ای است که با وظیفه های دیگر انسانی مقرون دانسته شده است؛ مانند این که بدون ملاعبه انجام

۱. «وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْمُنَاكَحَةِ وَالْمُصَاهَرَةِ آيَةُ مُحْكَمَةٌ وَلَا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيزٌ... مَا يَزْعَبُ فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّيِّبُ وَيُسَارِعُ إِلَيْهِ الْمُؤَفَّقُ الْمُحْصِبُ».

۲. «مَا بَنِي بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّزْوِيجِ».

۳. «مَا تَلَذَّذَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِلَذَّةٍ أَكْثَرَهُمْ مِنْ لَذَّةِ النِّسَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ (آل عمران، آیه ۱۴) ثُمَّ قَالَ وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَا يَتَلَذَّذُونَ بِبَنِيٍّ مِنَ الْجَنَّةِ أَشْهَى عَنْدهُمْ مِنَ النِّكَاحِ لَا طَعَامٍ وَلَا شَرَابٍ».

نشود^۱ (حراعاملی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۱۱۶)؛ با وضو همراه باشد^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳: ۵۵۳)؛ بدون شرم و خجالت آمیزش صورت گیرد^۳ (حراعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰: ۲۹)؛ زن هنگام زناشویی، لازم است که بهترین عطر خود را به کار برد و بهترین لباس را بپوشد و به زیباترین شکل زینت کند و خود را صبح و شام بر شوهرش عرضه کند^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۵۰۸) و مرد با عجله تمام نکند^۵ (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۳۷).

ششم: از آثار ارزشمند روابط جنسی زوجین، حفظ دیانت آنان^۶ (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴: ۱۵۴) و پاداش اخروی برای آنان^۷ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۴۹۶) است. بنابراین، زوجین روابط جنسی ضابطه مند خودشان را باید وظیفه شرعی و با تأثیرات ارزشمند در زندگی دنیوی و اخروی، تلقی کنند و آن را اساس تمام وظایف گرایشی عاطفی و رفتاری خودشان در این زمینه قرار دهند.

بحث و نتیجه گیری

منشأ تعیین تکالیف و وظایف زوجین در قبال هم، فطرت مشترک آنان است و فقیه تربیتی که باور دارد براساس آموزه های دینی، احکام الهی، هماهنگ با فطرت وضع گردیده است، با شناخت فطرت مشترک زن و مرد، بهتر می تواند وظایف زوجین را از متون دینی استنباط کند و زوجین هم، با شناسایی ویژگی های فطری، بهتر

۱. قَالَ الصَّادِقُ (ع): «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ مِنْهَا: مُوَافَقَتُهُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ الْمُتْلَاعَةِ».

۲. «إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتُكَ فَلَا تُجَامِعْهَا إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى وُضوء».

۳. «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَإِذَا لَبِسَتْ لَبِسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ».

۴. «وَعَلَيْهَا أَنْ تَطْلُبَ بِأَطْيَبِ طَبِيبٍ وَأَتْلُبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتَرْزِيَنَ بِأَحْسَنِ زَيْتِنِهَا وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً».

۵. «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعَجِّلْهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ».

۶. «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ».

۷. «أَنْتِ أَهْلُكَ تُؤَجِّرُ».

می‌توانند عامل به وظایف شرعی باشند؛ زیرا در این موقعیت، علم حضوری به مسئولیت‌پذیری هریک نسبت به دیگری فعال شده است.

از نتایج تحقیق، این است که الف) فقه، عهده‌دار تبیین همه افعال مکلفان است؛ ب) فقها به جامعیت احکام دین و گستره فقه اذعان کرده‌اند؛ ج) فطرت، مبنای وظایف شرعی است؛ د) فطرت مشترک زوجین، مبنای وظایف تربیتی است؛ ه) اسلام به مسئولیت‌ها و تعاملات زوجین نگاه تربیتی دارد و خداوند، مسئولیت و تکلیف بشری را در برای رشد و هدایت وی قرار داده است و شکوفاسازی فطرت توسط زوجین، بستر را برای رسیدن به کمال، هموار می‌سازد.

و) در فقه تربیتی، برای هر سه دسته وظایف نگرشی، عاطفی و عملکردی، تعیین تکلیف می‌شود.

ز) مهم‌ترین وظایف نگرشی همسران نسبت به یکدیگر، عبارت‌اند از: ۱. نگرش انسانی زوجین نسبت به هم؛ ۲. مثبت‌نگری و حسن ظن؛ ۳. نگرش نعمتی کرامتی زن و شوهر به همدیگر؛ ۴. نگرش آرامشی، انسی و مصونیتی به همسر؛ ۵. نگرش همیاری و تعاون زوجین به هم در زندگی دنیا و آخرت؛ ۶. نگرش معنوی به روابط جنسی زن و شوهر. هدف این مقاله، استنباط مهم‌ترین وظایف نگرشی همسران در قبال یکدیگر، براساس فقه تربیتی بود. وظایف عاطفی و عملکردی از مجال این مقاله خارج است و پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر به آن پرداخته شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، هیئت علمی دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن احمد، موسوعة ابن ادريس الحلی، قم، دلیل ما، ۱۳۷۸ش.
۳. ابن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، اول، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش.
۵. _____، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۶. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، قم، مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، اول، ۱۳۹۱.
۷. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران، دنیای دانش، چهارم، ۱۳۸۲ش.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، اول، ۱۴۰۹ق.
۹. _____، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ﷺ، مشهد، آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد مقدس، آستانة الرضوية المقدسة. مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۱۱. خلیلی، مصطفی، «دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره نهاد انسان در قرآن (تفسیر آیه فطرت)»، دوفصلنامه تخصصی علوم قرآن و تفسیر معارج، شماره ۲، سال اول، ۱۳۹۵.
۱۲. راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی ﷺ، اول، ۱۴۰۷ق.
۱۳. رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.

۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، قم، دارالثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *معالم الدین وملاذ المجتهدین*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۱۹. علی بن الحسین (علیه السلام)، *صحیفه سجادیه*، قم، دفتر نشر الهادی، اول، ۱۳۷۶ش.
۲۰. علیان نژادی دامغانی، ابوالقاسم، *طرحی نو در مسائل اخلاقی*، قم، مؤسسه نشر آثار آیه الله ناصر مکارم شیرازی، بی تا.
۲۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواعظین وبصيرة المتعظین ط - القدیمة*، قم، انتشارات رضی، اول، ۱۳۷۵ش.
۲۲. فقیهی، علی نقی، *تربیت جنسی از منظر قرآن وحديث*، قم، دارالحديث، پانزدهم، ۱۳۹۸.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن وحديث*، قم، دارالحديث، دوم، ۱۳۸۹.
۲۷. مشکانی سبزواری، عباسعلی و اسماعیلی کریزی، غلامعلی، «درآمدی بر نظریه فقه و فطرت»، *مجله معرفت*، ش ۲۱۱، ص ۱۱۸، ۱۳۹۴ش.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، *پیش نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، پنجم، ۱۳۹۴ش.
۲۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸.
۳۰. مطهری، مرتضی، *اخلاق جنسی در اسلام و غرب*، تهران، صدرا، ۱۳۸۸.

۳۱. _____، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.

۳۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.

۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، اول، ۱۴۰۸ ق